

اظهار نظر نکرده اند.

يك مقام آگاه گفت: «کدام در؟ مگر می شود در مدرسه در یا درهایی بوده باشد که ما ندیده باشیم؟!» وی در پاسخ به این سؤال که: «یعنی شما قبلا دری در مدرسه ندیده بودید؟» گفت: «شوخی می کنید!» و این سؤال را در ذهن ما باقی گذاشت که آیا حداقل درهای موجود برای ایشان قابل رؤیت هستند یا بنده خدا به طور کلی در بین نیستند؟!

البته برخی افراد هم مدعی هستند ربودن درها طی يك عملیات هلی برد انجام گرفته است. این افراد از ارائه هرگونه توضیح درباره این که کماندوها از کجای سقف وارد مدرسه شده اند خودداری می کنند.

در همین ارتباط يك مقام آگاه دیگر گفت: «خدا را شکر کنید که در دستشویی ها هنوز سر جای خود هستند، کاری نکنید که در آینده نزدیک

هیچ کس هیچ خاطره ای از این درها در ذهن نداشته باشد.» گفته می شود که این مقام آگاه فراموشی اختیاری دارد.

اما يك منبع نسبتا آگاه که هیچ مقامی ندارد ادعا کرد شاهد عملیات دربرداری بوده و حاضر است شهادت دهد که دو در در مدرسه بوده که الآن نیست، اما در برداران از دلسوزان مدرسه بوده و نیت خیر داشته اند.

به هر حال به نظر می رسد که وظیفه اهالی مدرسه هماهنگی با شرایط باز جدید و استفاده بهینه از امکانات موجود باشد.

خبرنگار کاشف

دانشگاه تهران

مدرسه دانشجویی

## دیگر چیزی زیر پایم له نمی شود

### • امین خوشاوی

آفتاب با تمام شدتش می تابید و سر و صورت پیرمرد و مرد جوان کنارش را می سوزاند.

مرد جوان از پیرمرد پرسید: «اگر این قرار فقط برای پست و مقام یا مال و ثروت و یا چیز دیگری باشد مسلما طرف مقابل دنبال کار علمی نیست. نگرانی ما در مورد محتوای کار است.»

پیرمرد گفت: «ما باید دقیقا طرف مقابل را بشناسیم، اما به همین راحتی نمی توانیم این کار را انجام بدهیم»

مرد جوان گفت: «چند حرکت پیشنهادی می زنیم، بعد منتظر می شویم که ببینیم فکر آنها چی هست و چکار می خواهند بکنند. بعد از آن می توانیم تصمیم بگیریم»

پیرمرد گفت: «باید صبر کرد ... و یک پیشنهاد باید ببری ...» داشت حرف خودش را می زد که دید مرد جوان کنار او نیست. برگشت، دید مرد جوان ایستاده و با پا چیزی را کنار می زند. بعد از چند لحظه تلاش، مرد جوان برگشت و دوباره به

حرف های خود ادامه دادند.

وقتی به دفتر کار پیرمرد رسیدند مرد جوان گفت: «قلبم درد می کند، احساس خوبی ندارم. قلبم منقبض شده است»

پیرمرد با تعجب پرسید: «چی شده؟»

مرد جوان گفت: «هیچی؛ چند لحظه پیش که داشتیم می آمديم سر راه خودمان یک جوجه گنجشک که تازه از تخمش بیرون آمده بود از لانه خودش روی آسفالت افتاده بود.

به خاطر داغی آسفالت مرده بود. دلم نیامد که میان راه بماند اما می خواستم که شما هم منتظر نشوید. با پا کنار زدمش ولی متأسفانه زیر پای خودم له شد. قلبم لرزید. می خواستم یک طوری این جسد زیر پای دلسوزی ام را جمع کنم اما روی زمین قلبم له شد. بعد از چند لحظه که با شما راه افتادم زمین قلبم را به هم زد. نفسم بند آمد. این چه دلسوزی ای بوده؟!»

پیرمرد گفت: «مهم نیست، زیاد روی آن فکر نکن. اشکالی ندارد.»

پیرمرد برای چند لحظه بیرون رفت. مرد جوان به

پای خودش نگاه می کرد. احساس خوبی نداشت. به هم ریخته بود. در چند لحظه تمام کارهای عمرش را با میزان رشد فکری اش تا زمان جسد گنجشگ مرده سنجید.

به خود گفت: «اگر از همان لحظه ای که دور و برت را شناخته بودی تا الآن تلاش می کردی که در هر لحظه آماده باشی برای درست عمل کردن، الآن این اتفاق نمی افتاد. خم می شدی و گنجشک را بر می داشتی و کنار می گذاشتی.»

مرد جوان کاغذی را برداشت و به راه افتاد. به میزان تمام عمرش به قدم هایش دقت می کرد. دیگر نمی خواست دقتش را در عملش رها کند و هیچ چیزی از زیر نظرت رها نمی شود.

بالای جسد گنجشک ایستاد و گفت:

«جسد بی دقتی های اعمالم را جمع می کنم و آن را خاک می کنم تا زمین اعمالم دیگر از بی دقتی و بی تقوایی ام خبر ندهد.

اگر زبان باز می کردی و شکایت می کردی به تو حق می دادم. شرمنده برای تا آخر عمر.»

بسم الله الرحمن الرحیم

عَلَى ظُهُوبِ وَرَقِ  
عَجَلٍ

أَمْ لَمْ يَكُنْ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

اهل آسمان و زمین به وسیله ظهور او خوشحال میشوند  
پرنده ها و ماهی ها و دریا نیز  
با ظهور او خوشحال میشوند

کاشف

سه شنبه  
۲۸ تیر ۱۳۹۰  
شماره ۱۱  
هفته نامه فرهنگ، خبری  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران



منتظر کاشف  
۱۲ باشید

اللهم عجل لوليک الفوج



به نام ســــــــــــــــــــــــلام
قواعد يك جمع قرآنی

●**شهر بانوکندي**

بسم الله النور

نیاز، مسأله‌ای است که از بدو تولد تا لحظه رخت بربستن از این جهان، به شکل‌ها و عناوین مختلف با انسان همراه است. نیاز جزء لا ینفک زندگی در این دنیای فانی است. مثلا حس تشنگی در هوای گرم تابستان، نیاز به آب را به وضوح نمایان می‌سازد یا گرسنگی شدید فردی که در یک روز بلند روزه گرفته نیاز به غذا را کاملا قابل درک می‌کند. هرچند که نیاز همراه همه آتات و لحظات زندگی ماست و در همه اجزای وجودمان رخنه دارد، اصولا همین نیاز انسانها را به هم نزدیک کرده و یک خانواده، شهر و یک کشور را پدید می‌آورد. وقتی بحث نیاز از دایره فردی‌اش به این سرعت به دایره اجتماعی آن می‌رسد، بحث تراحم نیازهای افراد کم‌کم خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی جامعه نمایان می‌سازد.

از منظر دین هم که به این مسائل بنگریم، حکمت

تشریع بسیاری از احکام و حدودات بقای همین اجتماع انسانی است. بسیاری از گناهان در این دایره قابل تعریف‌اند. مثل دروغ، تهمت، غیبت، ربا، قطع رحم، و حقوقی که اصلاحا به حق‌الناس معروف شده‌اند. در برخی موارد لازمه پابندی به این احکام، نادیده گرفتن نیاز فردی خود می‌باشد. در واقع همین منافع فردی است که حد خورده و احکام اجتماعی را به‌وجود می‌آورند. خودخواهی در این بین رنگ باخته و دیگرخواهی جای آن را می‌گیرد.

فردی که پا در عرصه تدبّر در قرآن می‌گذارد، به روشنی از وجود این احکام، اهمیتشان و لزوم پابندی به آنها آگاه است. مخصوصا وقتی وارد مکانی می‌شود که همگی کمابیش از این احکام مطلع بوده و خود را ملزم به پابندی به آنها می‌دانند.

حال فرض کنیم که قرآن پژوه مورد نظر، دانشجوی مدرسه قرآنی و مکان هم، مدرسه دانشجویی قرآن و عترت(علیهم‌السلام) باشد.

یک حکم عقلی وجود دارد: برای اداره مدرسه به نحو احسن، وجود برخی قوانین ضروری می‌باشد. ما قصد نداریم تک‌تک این قوانین را در اینجا بیان کرده و در

مورد درستی یا نادرستی آنها بحث نمیایم. که البته این مسأله اصلا در حدود اختیارات ما هم نیست. اما یک نکته قابل طرح است و آن این‌که: صرف‌نظر از درستی یا نادرستی قوانین، هر فردی پس از وضع آنها باید خود را ملزم به تبعیت از آنها بداند. نه این‌که با زیر سؤال بردن آنها ـ خدای ناکرده ـ خدمتگزاران خود را از ادای وظایفشان دلسرد نماید.

این را بدانیم که به حکم عقل وقتی می‌خواهیم به کسی در انجام وظایفش کمک نماییم، تضعیف، تحقیر، درشت‌نمایی خطاهای او و یا پافشاری بر خواسته‌ها و سلایق فردی خودمان در واقع به ضرر خودمان تمام خواهد شد.

نکته آخر این‌که اولین چیزی که در یک جمع باید رعایت کرد ادب می‌باشد. ادب، یعنی بتوانیم خود را به جای دیگران بگذاریم و نیازهای دیگران را هم مثل نیاز خود محترم بشماریم.

کاشف

## پیشخ

## وان!!

**خوشه‌چینان بار دیگر دعوت به همکاری می‌کند**

سفره‌متن‌های خوشه‌چینان در مدرسه قرآن و عترت(علیهم‌السلام) همچنان پهن است تاهرکس بخواهد، افتخار ویرایش و موضوع بندی آنها را پیدا کند. انجمن ادبی خوشه‌چینان،هم‌اکنون نیازمند یاری سبز شماس‌ت. برای عضویت در این انجمن ادبی به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک‌بزنید.

**طرح نشاط؛ ورود مباحث قرآنی به مدارس**

از آغاز اجرای طرح نشاط دو هفته می‌گذرد. این طرح با مسؤولیت یاسر رضازاده از خروجی‌های مدرسه دانشجویی قرآن و عترت(علیهم‌السلام) است که با هدف ورود مباحث قرآنی در سطوح تحصیلی دبستان، راهنمایی و دبیرستان، در دبیرستان و راهنمایی نور ایمان و دبیرستان شمیم نرگس در حال اجرا می‌باشد و به‌تدریج گسترش خواهد یافت.

# واحد آموزش

**واژه‌ها و سوره‌ها**

**مرور اجمالی مباحث مطرح‌شده در جلسه پنجشنبه ۲۳ تیر کلاس دوره حمد يك تا سه**

●**محمدعلی زاریان**

بحث جلسه پنجشنبه این هفته مرور حمد ۱ تا ۳، درباره کار با واژه‌ها بود. نکات زیر گزیده‌ای است از این جلسه:

۱. روح معنا مفهومی از واژه است که می‌تواند مصادیق متعددی در خارج داشته باشد. مثلا چراغ وسیله‌ای است

گیرد این است که هر سوره به تناسب غرضی که دارد واژه‌های متناسب با غرض خود را استخدام می‌کند. مثلا برای بیان مفهوم «ای رسول! چرا برای هدایت مردم خود را به زحمت می‌اندازی؟»، در سوره اعراف واژه «**حرج**» (فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ) استخدام شده، در سوره طه «**شقی**» (مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى) و در سوره شعراء «**بیخوع**» (لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ). غرض سوره باعث انتخاب واژه‌های متفاوت برای بیان مفهومی مشترک شده است.

۶. یکی از اشتباهات عمده در تدبیر سوره‌ها خارج شدن از حوزه یک سوره است. توضیح این که باید توجه داشت آیات مشابه در سوره‌های مختلف تکراری نیستند، چرا که غرض هر سوره رابطه‌ای تنگاتنگ با آیات و واژه‌های آن دارد. مثلا در سوره زلزال همه واژه‌ها با زلزال ارتباط دارند. یعنی بهترین واژه‌ها برای بیان غرض این سوره در کنار یکدیگر چیده شده‌اند. با توجه به این نکته می‌توانیم از سیر واژه‌های یک سوره به غرض آن نزدیک شویم.

۷. وجود قرآن یک وجود کتبی نیست بلکه وجودی شفاهی است، یعنی برای فهم غرض یک سوره لحن بیان آیات مختلف نقش بسیار عمده‌ای دارد. به همین دلیل هم این موجود خود را «قرآن» معرفی می‌کند. مثلا می‌گوید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰثِي هٰی أَقْوَمَ». اینجاست که باید نقش ویژه قرائت و سمع در تدبیر و فهم آیات قرآن مورد توجه قرار گیرد. البته ما به لحن سوره‌های مختلف دسترسی نداریم و این یکی از محرومیت‌های ماست.

#### ساختار وجودی ناس

**نگاهی به مباحث مطرح‌شده در جلسه دوشنبه**

**۲۰ تیر کلاس ساختار وجودی ناس**

●**حمیده‌اسدی**

به نام تو، به یاد تو، برای تو

آفرینش ـ اشرف مخلوقات ـ خلیفه در زمین ـ هبوط آدم.

# پیشخوان نمکی!!

#### کاشف سوتی نمی‌دهد

شاید کاشف تنها نشریه‌ای باشد که هرگز سوتی نداده و نخواهد داد. بی‌انصافی است که کسی «مدرسه دانشجویی(علیهم‌السلام) قرآن و عترت»، «انجمن ادبی خوشه‌چینان وحی عضو فعال می‌پذرد»و «منتظر شماره کاشف ۱۱ باشید» را سوتی تلقی کند. این‌که بالای صفحه دوم شماره ۹ هم شماره ۸ و تاریخ هفته قبل نوشته شده باشد که دیگر اصلا سوتی نیست. چون شماره و تاریخ تنها به يك هفته قبل مربوط

## وامّابعد... اخبار ضد و نقیض دربارهٔ در

●**رضا دژبخش**

گفته می‌شود محل آشپزخانه مدرسه يك «در» داشته که الآن دیگر وجود ندارد. يك نظر تحلیلی در این مورد از سوی برخی عناصر مطرح شده که معتقد است به دنبال انتشار خبر کوتاه «فلک»، در بخش «پس‌خوان» شماره قبل کاشف ـ که در آن ممنوعیت طبخ و اکل غذا در محل مطبخ مدرسه، عامل فلّک اهالی مدرسه معرفی شده بود ـ مسؤولان مدرسه تصمیم گرفتند درِ مطبخ ـ یا همان آشپزخانه ـ را کلا قفل کنند تا دیگر کسی به فکرش نرسد

پس از هبوط آدم، بنی‌آدم در بستر اجتماع زندگی خود را آغاز کردند.

هویت اجتماعی ـ شکوفایی یا انحطاط ـ فلاح یا هلاکت ـ فوز یا خسران.

پایه‌ای‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده زندگی اجتماعی،انسان است.

قوام زندگی اجتماعی ـ رابطه زوجیت ـ نقش آفرینی زن و مرد.

جامعه‌ای که در آن زن نقش خود را ایفاء نکند جامعه‌ای فاسد و فاقد تزکیه و علم است و جامعه‌ای که در آن مرد نقش خود را ایفاء نکند جامعه‌ایست بدون تولید و دارای رزق آلوده.

همت زنان ـ حب و توجه به زینت های دنیا ـ همت مردان ـمدیریت پرفساد و ظالمانه.

در ساختار وجودی ناس بر آنیم که انسان را از فردیت خارج کرده و در ارتباط با انسان‌های دیگر بررسی کنیم.

بوده، شماره بیست هفتم قبل که نبوده. البته اصلا هم ضرورتی ندارد که صفحه‌آرا حتی يك سطر از مطالب نشریه را بخواند. ویراستار که نیست، صفحه‌آراست.

**با بردن قفسه محصولات** مدرسه از این طرف اتاق به آن طرف اتاق، منظره اتاق و کل مدرسه دگرگون شد. خوب است مسؤولین مدرسه که اینقدر خلاق و با سلیقه هستند فکری هم به حال دکوراسیون هال بکنند.

که از این شوخی‌ها بکند. این خبر بنابر ادعای عناصر مذکور، درز پیدا کرده و لو رفته است. هرچند این عناصر اشاره‌ای به چگونگی درز این خبر ننموده‌اند اما اعلام کرده‌اند که در پی درز این خبر عناصر دیگری در يك عملیات کماندویی، درِ آشپزخانه را ربوده‌اند تا دیگر امکان مسدود کردن این مکان مقدس ـ به زعم همان عناصر اول ـ وجود نداشته باشد.

در این میان بعضی نیز معتقدند که درِ دفتر مدرسه هم مفقود شده‌است. بعضی دیگر می‌گویند که اصلا مدرسه دفتر نداشته که در داشته باشد(!) اما باز يك بعضی دیگر می‌گویند مدرسه دفتر نداشته، اما يك اتاق در دار داشته که به‌طور ناگهانی بی‌در شده و عنوان «دفتر مدرسه» بالای ورودی آن نصب گردیده‌است. به جز اینها، بعضی دیگری هم هستند که می‌گویند مگر می‌شود مدرسه‌ای دفتر نداشته باشد؟ این بعضیِ اخیر درباره درِ دفتر